

Journal of Heroic Literature

Print ISSN: 2783-0675 Online ISSN: 2783-0683

<https://heroic.lu.ac.ir>

Vol. 1, No. 1, Autumn & Winter 2023

Farshad Razm-e Farhandeh, the patron saint in Shahnameh and epic works

Mansour Nikpanah¹

Kazem Hassanzadeh²

1- Associate Professor of Persian Language and Literature, Saravan Higher Education Complex.

2- Master of Persian language and literature, (Corresponding author), kazemh155@gmail.com

Article Info

Article Type:
Original Article

Received: 2023/07/06

Revised: 2023/08/15

Accepted: 2023/09/27

Published: 2023/11/22

Keyword:

Moz,
Ferdowsi,
Ferdowsi,
Shahnameh,
Dragonfly,
Cow.

Abstract

The wand is a war instrument that has been mentioned in epic works for many times, but the reflection of this combat weapon in Shahnameh has a special effect. So, with Ghor, in its application quality, we can not see this weapon in the hands of anyone. By examining the ancient texts, we conclude that this tool is a tool in the hands of the gods that uses it in the battle of the enemies and the devils. The ghosts who use this tool have actually received divine gifts. The great and famous pilots who have the oven are adorned with mushrooms. The mace is used to eliminate sinister people, as well as in the end times when the final victory is good for evil. Therefore, as well as other applications, we conclude that the wand has a tool of the same nature, which both itself and its user benefit from God's special privilege. In this article, we are going to prove the use of mice to prove that the mace is from the combat equipment that it has.

Cite this article: Nikpanah, M., & Hasanzadeh, K. (2023). Farshad Razm-e Farhandeh, the patron saint in Shahnameh and epic works. *Journal of Heroic Literature*, 1(1), 47-64.

doi: <http://doi.org/10.22034/heroic.2023.1.1.04>

© The Author(s)

Publisher: Lorestan University



ادبیات پهلوانی، نشریه علمی دانشگاه لرستان

شاپا چاپی: ۲۷۸۳-۰۶۷۵ / شاپا الکترونیکی: ۲۷۸۳-۰۶۸۳

<https://heroic.lu.ac.ir>

سال اول، شماره اول، پائیز و زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۴۷-۶۴

گرز رزم‌افزار فرهنگ حامی خجستگان در شاهنامه و آثار حماسی

کاظم حسن‌زاده^۲

منصور نیک‌پناه^۱

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی مجتمع آموزش عالی سراوان.

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، (نویسنده مسئول)، kazemh155@gmail.com.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱</p>	<p>گرز از ابزار جنگی است که در آثار حماسی به آن بارها اشاره شده است؛ لیکن بازتاب این رزم‌افزار در شاهنامه جلوه خاص دارد؛ به گونه‌ای که با غور در کیفیت کاربرد آن، متوجه می‌شویم این سلاح در دست هرکسی نمی‌تواند باشد. با بررسی متون کهن به این نتیجه می‌رسیم که این ابزار جنگی، و سیله‌ای در دست خدایان است و در نبرد دشمنان و اهریمنان از آن استفاده می‌نمایند. پهلوانان نیز که از این ابزار استفاده می‌کنند، در واقع، هدیه الهی را دریافت کرده‌اند. پهلوانان بزرگ و خوش‌نام که دارای فر هستند، به زیور گرز آراسته‌اند. آنها در از بین بردن افراد شوم و همچنین در آخرالزمان که پیروزی نهایی خیر بر شر است، از گرز استفاده می‌شود؛ با توجه به این موارد و همچنین کاربردهای دیگر، به این نتیجه می‌رسیم که گرز از ابزارهای دارای فر ایزدی است که هم خودش و هم به کاربرنده‌اش، از عنایت ویژه خداوند بهره‌مند هستند. در این مقاله بر آن هستیم تا با موارد استعمال گرز، اثبات نماییم که گرز از رزم‌افزارهایی است که از فره برخوردار است.</p>
<p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>گرز، فر، فردوسی، شاهنامه، اژدهاکشی، گاو.</p>	

استاد: نیک‌پناه، منصور & حسن‌زاده، کاظم. (۱۴۰۲). گرز رزم‌افزار فرهنگ حامی خجستگان در شاهنامه و آثار حماسی ادبیات پهلوانی. *I(1)*, 47-64.

doi: <http://doi.org/10.22034/heroic.2023.1.1.04>

ناشر: دانشگاه لرستان

© The Author(s)



۱. مقدمه

نمایش هنر پهلوانی، در عرصه جنگ، بدون ابزار رزم دشوار است. در ادبیات فارسی، انجام پهلوانی نبرد خیر و شر پیوندی ازلی دارد. مرجع و آفریننده خیر، اهورایی است که آفرینش مادی و معنوی خویش را نگهبان است به آمرزیداری، راهبری و فرهمندی؛ تا بتواند دشمن به خون تشنه‌اش، اهریمن، را از پای درآورد. «هرمزد آفرینش خویش را نگهبانی کند به آمرزیداری، راهبری و فرهمندی... و فرهمندی او اینکه فر، هرمزد آفریده است» (فرنیغ‌دادگی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

ابزار جنگ قابل اعتماد، تکیه‌گاه مناسب جنگاوران است؛ تا به وسیله آن، سر خصم را بکوبند. این بازتاب در آثار حماسی و اساطیری، میدان وسیعی را به خود اختصاص داده است. در شاهنامه و سایر آثار حماسی ایران، شاهد نمایش جنگ‌افزارهای متعدد هستیم. یکی از معروفترین آن‌ها که در عین حال، با توجه به نقش مهمش، سرنوشت خیلی از جنگ‌های تن‌به‌تن را مشخص می‌نماید، گرز است. این رزم‌افزار، با عنایت به ویژگی‌های خاص و سنگینی آن، قاعدتاً نمی‌تواند یک وسیله عمومی قلمداد گردد؛ لذا افراد شاخص و نامدار از آن بهره می‌گیرند و حتی در انتخابش وسواس به خرج می‌دهند.

با بررسی کیفیت استعمال این ابزار در جنگ‌ها و بازتاب آن در آثار اساطیری و حماسی، می‌توان ادعا نمود گرز از فرّ و شگونی برخوردار است که مبارزان راستین، با استفاده از آن، می‌توانند بر خصم غلبه نمایند؛ بنابراین، می‌توان ادعا نمود که این جنگ‌افزار، از نوعی فرّ برخوردار است که با استعانت از آن، مسیر پیروزی بر نیروهای اهریمنی، راحت‌تر هموار می‌شود. در این مقاله تلاش بر آن است تا پارامترهایی که دال بر فرّ دار بودن گرز است را برشمرده، در اثبات این مدعا بکوشیم.

۱-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص گرز و کارکردهایش در ادبیات فارسی کار خاص و چشمگیری صورت نگرفته. از محدود آثاری که به این مقوله پرداخته‌اند، می‌توان به مقاله «گرز گاوسر فریدون و منشأ آن» اشاره کرد که به کوشش محمود جعفری دهقی و مجید پوراحمد تهیه گردیده و در نشریه ادب فارسی سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. مقاله دیگر تحت عنوان «گرز، گرد و بیر و تحول چندگانه یک واژه»، به کوشش مهری باقری در نشریه دوفصلنامه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است. مقاله دیگر با عنوان «اسطوره نبرد مهر و گاو نخستین و ارتباط آن با ابزار نمادین گرز گاوسر»، به کوشش فرزاد قائمی در نشریه ادب‌پژوهی، شماره بیست‌ویکم پاییز ۹۱ به چاپ رسیده است که البته هیچ‌کدام از این سه اثر، از زاویه دید این مقاله به گرز نپرداخته‌اند.

۲-۱. بیان مسأله

آثار حماسی پر است از نمادها و سمبل‌هایی که هرکدام به گونه‌ای اسراری را در خود نهفته دارند. این اسرار بیانگر مفاهیم و معانی‌ای است که بخشی از تاریخ و باورهای ما را روشن می‌سازد. به قول فردوسی:

تو این را دروغ و فسانه مدان به یکسان روش در زمانه مخوان
از او آنچه اندر خورد با خرد دگر بر ره رمز معنا برد

(فردوسی: ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۴)

رمزگشایی از واژگان و عبارات کلیدی شاهنامه، یکی از وظایف آیندگان است تا اسرار واقعی و قصد شاعر منتقل گردد. یکی از این واژگان که رموزی در پس ظاهر آن نهفته است، واژه گرز است. در این پژوهش، از منظر خجستگی یا گجستگی، به گرز نگریسته می‌شود. با عنایت به کاربرد آن در شاهنامه، قصد داریم بررسی نماییم آیا گرز از فرّه ایزدی برخوردار بوده است و استفاده‌کنندگان آن افراد مبارکی بوده‌اند یا خیر؟

۳-۱. روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و به روش کتابخانه‌ای، تلاش می‌کند اطلاعات را از طریق منابع دست‌اول فراهم نماید. جمع‌آوری اطلاعات، از روش فیش‌برداری داده‌ها و نقد و بررسی آنهاست.

۲. تعریف مفاهیم

۲-۱. فرّ

یکی از مفاهیم بنیادی برخاسته از تفکر ایرانی، فرّه است. فرّه به‌عنوان ودیعه‌ای ایزدی در تمام هستی، حیات و قداست خاصی دارد. اوستا که جزو کهن‌ترین آثار و منابع آثار حماسی دیگر قرار می‌گیرد؛ فرّ را به‌صورت، خورنه (Xvarnah) به کار برده است. «در پهلوی Farr یا Xwarrah آمده است؛ که هزوارش xwarrah در متون پهلوی GDE است. gad در زبان آرامی، نام ایزدی است. شاید این نام در دوره هخامنشیان برای بیان فرّه در معنی بخت و اقبال به کار می‌رفته است» (شریفی، ۱۳۸۶: ۹۴).

بهترین تعریف و توصیف فر می‌تواند این باشد که «فر فروغی ایزدی است که به دل هر که بتابد از همگنان برتری می‌یابد. از پرتو این فروغ است که شخص به پادشاهی می‌رسد، شایسته تاج و تخت می‌گردد، آسایش گستر و دادگر شود و همواره کامیاب و پیروز باشد و نیز از نیروی این نور است که کسی در کمالات نفسانی و روحانی کامل گردد و از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شود» (معین، ۱۳۴۸: ج ۱: ۴۱۵).

انسان با فرّه آفریده نمی‌شود؛ اما می‌تواند این تأیید الهی را با خویش‌کاری به دست آورد. در قلمرو حماسه، مهم‌ترین شکل‌های خویش‌کاری پهلوان، حفظ و حراست از حیات مادی و معنوی ایزد است. اراده و نیروی یزدان در گرز تجلی می‌یابد و آفریننده شاهکارهای هنر حماسی و پهلوانی می‌گردد.

۲-۲. گرز

«کلمه گرز gurz که در متون پازند، گرج gurj و گرزه guraza و گرجه guraja و غیره آمده، به همان معنی ورج و ارج و برز و بزرگی است» (پورداوود، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۴). از دیرباز رابطه‌ای بین ورج برز و «فر-خره» قائل شده‌اند و بعدها آن دو را مترادف با فره دانسته‌اند. ورج در فرهنگ دهخدا: «ورج: [و]: ارج. قدر و مرتبه (از آندراج) (برهان). بزرگی و بزرگواری و عظمت و شأن و شوکت و قدر و لیاقت و قیمت و ارزش و رتبه و درجه و پایه و منصب و شغل (ناظم‌الاطبا). فره ایزدی، فره، خوره (فرهنگ معین). و کیخسرو بالغ شده بود و با ورج و جمال و دانش و رأی و مردمی تمام بود. (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۱۸۹)؛ و طایفه‌ای را از بندگان به غایت لطف اختیار فرمود [حق تعالی] و به سعادت عقل ممتاز کرد و ایشان را به فر الهی بیاراست و به ورج پادشاهی [= فره کیانی] مزین گرداند...» (فرهنگ معین از فرائدالسلوک، نسخه خطی کتابخانه ملک). واژه گرز را با دو واژه گرز، گرد در زبان فارسی، صورت تحول‌یافته یک واژه ایرانی باستانی بوده‌اند که رایج‌ترین صورت تحول آن در زبان فارسی جدید گرز می‌باشد و مهم‌ترین معنی این واژه‌ها را برق و آذرخش و صاعقه می‌داند و همچنین معادل نیرو و قدرت قلمداد می‌گردد (ر. ک، باقری، ۱۳۷۶: ۴۶-۲۳).

در اساطیر هند و ایرانی، گرز، همواره به‌عنوان زین‌افزار ویژه ایزدان اژدهاکش و نماد آیینی آذرخش و صاعقه است که به‌وسیله آن اژدهای کیهانی کشته می‌شود (باقری، ۱۳۷۶: ۲۷).

۲. بحث

۲-۱. فر گرز

فرّ، برخاسته از ذات اهوراست که در تمام هستی جریان دارد و به فرمان اهورا، ایزدان مینوی فره را در عالم پخش می‌کنند (پورداوود، ۱۳۹۴: ۴۲۰). فرّ به معنای چیز خوب، خواسته، بعدها با گذشت زمان، معانی وسیع‌تری را در خود جای داد؛ به‌طوری‌که هرچه حول محور اهورا قرار گرفت، در طیف وجودی فرّ نیز قرار گرفت. یکی از بازتاب‌های فرّ، گرز است. کارآمدترین ابزار جنگی که در نبردهای خیر و شر مورد استفاده ایزدان و خدایان است. از آنجا که قوانین تطوّر اسطوره‌ها بر حماسه‌ها حاکم است، در نبردهای حماسی، پرکاربردترین ابزار جنگ پهلوانان، همین گرز است و در واقع، نگین انگشتی ابرمرد داستان‌های شاهنامه، گرز است:

زمین بنده و رخس گاه من است نگین گرز و مغفر کلاه من است.

۲-۲. گرز و انواع آن

گرز یکی از پرکاربردترین سلاح‌هایی است که ایزدان و پهلوانان هند و اروپایی از آن استفاده می‌کنند. این واژه در کهن‌ترین بخش اوستا، یعنی گاهان، در اهوودگاه (یسنا ۳۲، بند ۱۰)، به‌صورت ودره (vadra) (پورداوود، ۱۳۸۲: ۸۲) و در اوستای جدید، به‌صورت وزره (vazara) آمده است که در فارسی، با تبدیل شدن «واو» به

«گاف» و قلب دو حرف «ر» و «ز» با یکدیگر، به صورت گرز درآمده است (پورداوود، ۱۳۸۲: ۸۴). معادل هندی این واژه، وجره (Vajra)، به معنای گرز و سلاح مخصوص ایندره است؛ چنین است وگرو (wagro) یونانی که در نام یکی از پهلوانان آن، به نام Melewagros باقی مانده است. واژه Vasara به معنی «چکش» در فنلاندی و اوژر uter به معنی «تبر» در میان ساکنان ایالت ولگای روسیه که وام‌واژه‌هایی هستند از همین لغت (west, 2007: 251) پورداوود (پورداوود، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۲) کارکرد گرز را در او ستا به دو شکل تقسیم‌بندی می‌کند؛ دسته‌ای گرزهای کوبیدنی هستند که در هرمزیدیه شت (۱۸)، خورشیدیه شت (۵) مهریه شت (۴، ۹۶، ۱۳۲)، فروردین‌یشت (۷۲)، وندیداد، فرگرد چهارم (۹) و هجدهم (۳، ۳۳، ۳۶) آمده است. دسته دوم؛ یعنی گرز پرتاب‌کردنی که در مهریشت (۱۰۱، ۱۳۱) آمده است.

۲-۳. گرز سلاح خدایان

گرز، سلاح تنی چند از ایزدان و پهلوانان در اوستاست؛ از جمله مهر (مهریشت، ۹۳، ۹۵، ۱۰۱، ۱۳۱، ۱۳۲) و سروش (یسن سوم، ۲۰؛ یسن چهارم، ۲۳؛ فرگرد، ۱۸؛ وندیداد، ۱۴؛ سیروزه کوچک، ۱۷؛ فروردین‌یشت، ۹۹، ۱۰۶) و هوم (یسن نهم، ۳۲-۳۰).

ابزار جنگ خدایان با اهریمنان، گرز است؛ چنان که در ادبیات اوستایی و پهلوی، نمود امشاسپند شهریور فرهمند است. حماسه جلوگاه نمایش هنرهای فکری و بدنی است. پیروزی و اقتدار در جنگ بین نیروهای اهورایی و اهریمنی، بهره کسی است که از همه توانمندتر باشد. اهورا، شهریور را فلز بخشید. حکومتی که شهریور بنا بر اراده اهورا برپا می‌کند، پیشرفت و افزونی، اقتدار و کامروایی خویش را از فلز دارد؛ زیرا سلاح و ابزار جنگ از آن ساخته می‌شود. «از آنجا که او را (در) گیتی فلز خویش است، همه (گونه) کامه خدائی، نیرومندی و کامروائی و پاس‌خگویی را به زین‌افزار تواند کردن. زین‌افزار او همه فلزین است. او که چهارمین امشاسپند دین مزدیسناست، «مرکب از دو جزء «خشتر»، به معنای کشور و صفت «وئیریه»، در معنی برگزیده است؛ بنابراین، شهریور، کشور برگزیده یا پادشاهی برگزیده است» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۶۰).

شهریور، در عالم روحانی، نمودار سلطنت ایزدی، فر و اقتدار خداوندی است و در جهان مادی، نگهبانی فلزات را بر عهده دارد. «سالاری را همه از شهریور است که شهرور (نیز) خوانده شود که گزارش (آن) شهریار به کامه است. شهریور را در گیتی فلز خویش است» (فرن‌بغ‌دادگی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). نیز سلاخی که دیوان را بدان شکست دهند، از فلز است. چنین گوید که «ستایم گرز خوب‌فروود گردنده بر سر دیوان را...» (فرن‌بغ‌دادگی، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۱۲). «شهریور، بخشنده فلزهاست و آدمی را هم در جنگ پیروز می‌کند و هم به اندازه پایگاهش توانگری می‌بخشد» (کویاجی، ۱۳۸۰: ۳۲۷).

جایگاه و احترام فلز، تا اندازه‌ای است که هرکس فلز را بیازارد، مورد غضب شهریور قرار می‌گیرد. «... او که فلز را رامش بخشد یا بیازارد، آن‌گاه شهریور (از او) آسوده یا آزرده بود» (فرن‌بغ‌دادگی، ۱۳۹۰: ۱۱۲) و نیز

«زردشت، شهرپور را درباره فلز و از دست ندادن سلاح اندرز داد.» (بهار، ۱۳۷۵: ۲۵۷). فلز گداخته این امشاسپند است که در دنیای حماسه، به صورت گرز و تیغ و سنان، دشمنان را از پای درمی‌آورد. پیش نمونه گرز، گرز خوش‌ساخت که ایزد مهر با آن، با شتاب نیروی خیال، دیوان و اهریمنان را از پای درمی‌آورد: «در گردونه مهر فراخ‌چراگاه، گرز زیبای سبک پرتابی صدگره صدتیغه‌ای هست که [آن را] به سوی مردان [همستار] نشانه رود و آنان را از پای درآورد.

گرزی از فلز زر ریخته و از زر سخت ساخته که استوارترین و پیروزی‌بخش‌ترین رزم‌افزاری است که به شتاب نیروی خیال پرتاب شود و به شتاب نیروی خیال به سوی سر دیوان رود» (پورداوود، ۱۳۹۴: ۳۸۵). بسیاری از آلات نمادین نبرد در اساطیر، در اصل، ابزارهای فراطبیعی خدایان بوده‌اند که در اختیار برگزیدگان و قهرمانان قرار گرفته تا آن‌ها را در مأموریت الهی خود در جهان یاری کنند. نمونه اولیه گرز در اساطیر ایران، گرز بزرگی است که ایزد مهر به آن مسلح است و در نگاهبانی از آفریدگان، پاسداری از داد و پیمان و سرکوب شر، از آن یاری می‌جوید. این همان گرز است که در نگاره‌های میتراپی، مهر در کشتن گاو نخستین از آن استفاده کرده است. در مهریشت، و صف این گرز را به روشنی می‌بینیم: «گرزی صدگره و صدتیغه [که مهر] بر دست گیرد و به سوی مردان همستار [دشمن و هم‌آورد] نشانه رود و آنان را از پای درافکند. گرز از فلز زرد ریخته و از زر سخت ساخته، که استوارترین و پیروزترین رزم‌افزار است» (همان: ۴۲۵).

گرز صدگره مهر که برای کشتن گاو نخستین به کار می‌رود، متعاقباً با گرز گاوسر فریدون است که برای کین‌خواهی این گاو خجسته، برای از پا درآوردن ضحاک اهریمنی به کار رفته است؛ اما هر دو نماد با هویت اساطیری گاو در فرهنگ هند و ایرانی که مرگش با خجستگی و فره‌بخشی گیتی و گشایش احوال آدمی مرتبط است، پیوند توتمی دارند. چنان‌که پیش از این درباره نوع برخورد گروه انسانی با توتم جانوری اشاره شد، فعل آیینی مرتبط با توتم جانوری، گاه به احترامی منجر می‌شد که با پرهیز از کشتن آن حیوان و یا تحریم خوردن آن همراه بود (قرائتی که در قداست گاو پرمایه و زشتی کشتار آن توسط ضحاک در شاهنامه دیده می‌شود) و گاه به خوردن گوشت آن، به شکل آیینی و کشتن و قربانی کردن آن منجر می‌شد؛ زیرا در این نوع از برخورد گروه با توتم، از طریق آن، اعضای گروه با توتم وحدت می‌یابند و یا با اسطوره قربانی مقدس، برکت‌بخشی هستی و حفظ تعادل کیهانی را به یاری می‌طلبند (مشابه رفتار مهر و روحانیون باستانی در فرهنگ پیش از زرتشت که زرتشت به اصلاح این فرهنگ پرداخت). در رویکرد مصلحانه ادیان، بسیاری از آیین‌های اساطیری عصر شرک، با اسطوره‌زدایی از جنبه‌های منفی خود تهی و تبدیل به قرائتی تازه می‌شوند؛ اتفاقی که به تغییر جایگاه نمادین گاو، از موجودی که باید با گرز صدگره کشته شود، به موجودی می‌شود که کشته آن باید- با گرز گاوسر- تاوان گناه خود را بپردازد. استفاده از این گرز، به‌عنوان رزم‌افزاری مقدس و آیینی که نشانه پیروزی خیر بر شر را با خود به همراه داشته، در بین پادشاهان ایران باستان و همچنین موبدان دین زرتشتی رواج داشته است. موبدان زرتشتی، گرز گاوسر

مهر را، به عنوان نمادی از جنگی که باید با نیروهای شر داشته باشند، با خود حمل می‌کنند. نوع رفتار آیینی آن‌ها با گرز نیز بی‌شباهت به رفتار مهر نبود: مهر، گرز خویش را، سه بار در روز، در بالای دوزخ می‌چرخاند؛ تا نگذارد دیوان به دوزخیان، عقوبتی بیش از آنچه سزاوار آن هستند، تحمیل کنند (هینلز، ۱۳۷۳: ۱۳۸۷). تکرار این رفتار مهر، در عین استحاله کارآیی و باژگونگی در سطح معنایی نماد، نوعی آیین در کیش زرتشتی است که تأثیرپذیری از آیین‌های مهری در آن قابل تأمل است. مشابهت این رفتار آیینی موبدان با گرز گاوسر، در مقایسه با گرز صدگره منسوب به مهر شکست‌ناپذیر، این چیرگی و غلبه را به مبارز یا دینیار در اختیاردارنده آن نیز واگذار می‌کند. تکرار حضور گرز گاوسر فریدون در بین پهلوانان و شاهان ایرانی شاهنامه (هم چهره‌های پیش از زرتشتی؛ چون رستم و دیگر پهلوانان خاندانش و هم شخصیت‌های زرتشتی؛ مثل لهراسپ، گشتاسپ و بهرام)، در امتداد همین سنت کهن اساطیری قابل تفسیر است.

اوستا از پنج نوع آتش نام می‌برد که بدان‌ها قسم می‌خورده‌اند؛ در مورد چهارم، این آتش در ابره‌است و اسطوره تیشتر نام دارد. ایزد باران، به هنگام نبرد با دیو ایپوش (دیو خشک‌سالی)، گرز خود را بر همین آتش می‌کوبد و از شراره این آتش، دیو به وحشت می‌افتد و هلاک می‌شود (یسنا، بند ۱۱) (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۸). سروس نیز گزری دارد که دیوان نمی‌توانند از ضربه او رهایی یابند: او را دلیری اینکه (چون) گرز را به خراسان (= مشرق) بزند، هراس [فرو] ننشیند [تا] که آن را به خاوران [= مغرب] باززند. او را شگفت - سلاحی - که این دیوان از ضربه او رهایی نیابند. (بهار، ۱۳۷۵: ۱۵۰) در شاهنامه، گرز مترداف با فر آمده:

ز پشت سپهد فرامرز بود که با فر و با گ-----رز و با ارز بود

(فردوسی، ۱۳۸۶: ج ۱: ۴۳۷)

۲-۴. گرز پهلوانان

در میان یلان، فریدون، سام و گرشاسب، به داشتن گرز معروفند (پورداوود، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۳). در زامیادیش (۹۲) از گزری یاد شده که در دست استوتارته است؛ همان گزری که فریدون بر سر ضحاک می‌کوبد. در متون پهلوی، یگانه منبعی که به گرز فریدون اشاره می‌کند، دینکرد نهم است که شرح نبرد فریدون و ضحاک در آن آمده است. در دیگر متون این دوره، از گرز گرشاسب که در آخرزمان با آن ضحاک را می‌کشد، اشاره دارد.

در برخی از متون دوره اسلامی نیز به گرزوری فریدون اشاره شده است. در اخبار الطوال (دینوری، ۱۳۸۳: ۳۰) آمده که فریدون با گرز آهنی، ضربتی بر فرق سر ضحاک زد. گاهی گرز فریدون به پتک آهنین (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۱۳) تشبیه شده که احتمالاً تحت تأثیر روایات کاوه آهنگر به این نام خوانده شده است.

علاوه بر ایزدان و یلان ایرانی، گرز، سلاح برخی از ایزدان و پهلوانان هند و اروپایی هم هست. همتای هندی فریدون - یعنی تریته اپتیه - نیز مسلح به گرز آهنین سر است؛ آذرخش زئوس، به نوعی، گرز او محسوب می‌شود. تور، در اساطیر اسکاندیناوی، علاوه بر چکش معروفش Mjollnir گرزور هم هست. داگدا Dagd نیز در اساطیر

کلتی، دارنده گزری آهنین است. در اساطیر یونان، گرز سلاحی کهن و متعلق به پهلوانان پیش از جنگ تروا محسوب می‌شود؛ به همین مناسبت، این سلاح به هراکلس هم نسبت داده شده است. در مه‌بهاراته، گرز سلاح مخصوص بهیمه (Bhima) یکی از پنج برادر پاندو است. پهلوان اساطیر شمال اروپا، اوور- اود (Ovar- Odd) نیز با گزری از چوب بلوط می‌جنگد. همین‌طور است گرم (Gram)، شاهزاده افسانه‌ای دانمارکی که گزری زرنگار دارد (West, 2007: 460- 462)؛ اما مشخصه‌ای که فریدون را از دیگر گرزوران هند و اروپایی جدا می‌کند، گاوسر یا گاوشکل بودن گرز اوست.

فریدون این سلاح را برای رویارویی با ضحاک بدسرشت طرح‌می‌ریزد. او با استفاده از پرگار، الگوی این گرز را به آهنگران نشان می‌دهد. این گرز سر گاومیش دارد. لهراسپ که به گرز گاوسر مسلح است، برای دفاع از زردشت و آتشکده، در برابر حمله ترکان متجاوز، کوششی ناموفق به عمل می‌آورد (هارپر، ۱۳۶۹: ۳۸۱). در اوستا چنین مشخصه‌ای درباره گرز فریدون نیامده است. در متون پهلوی هم، به جز یک متن، ویژگی گاوسری برای این گرز ذکر نشده است. در دادستان دینیک (۳۶، ۸۳) در شرح بند گسستن ضحاک در هزاره اوشیدر، آمده است که سامان گرشاسب، با گرز گاوسار (gad -i- gavsar) ضحاک را در هم می‌کوبد. این گرز همان گزری است که فریدون در نبرد با ضحاک از آن استفاده کرده بود و همان‌طور که در این متن آمده، در آخرزمان در دست گرشاسب است تا با آن ضحاک را از بین ببرد.

در متون دوره اسلامی، بارها به گاوشکل بودن گرز فریدون اشاره شده است. در تاریخ طبری، (طبری، ۱۳۷۵: ۱۵۳) آمده که بیشتر جنگ فریدون با گرز بود و سر گرز او به شکل گاو بود. در زین‌الأخبار (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۵) در غرراخبار (ثعالبی، ۱۳۸۴: ۱۳ و ۱۹) فارسنامه (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۱۱ و ۳۶) تاریخ طبرستان (اسفندیار کاتب، ۱۳۲۰: ۵۸) نیز گرز فریدون، «گاوسر» توصیف شده است؛ و در کوش‌نامه ایران‌شاه‌بن ابی‌الخیر، (ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۴۹) هم سه بار به این سلاح اشاره شده است. در این منظومه، رواج گرز گاوسر به فریدون نسبت داده می‌شود:

به یک زخم از آن گرزۀ گاوسار برآورده از دیو و جادو دمار

(ابی‌الخیر، ۱۳۷۷: ۴۵۰)

علاوه بر فریدون، این گرز را در دست پهلوانان دیگری؛ چون قارن و منوچهر هم می‌بینیم. در شاهنامه فردوسی، (۱۳۸۶، ج ۱: ۲۷۴) نیز نخستین بار نام گرز گاوسر در داستان فریدون و ضحاک به میان می‌آید؛ آن قسمت از داستان که فریدون آماده نبرد با ضحاک می‌شود و نقش گزری گاوسر را بر خاک می‌کشد و بدین ترتیب، شکل سلاحی را که می‌خواهد با آن به جنگ ضحاک برود، به آهنگران نشان می‌دهد. در نتیجه، ساخت گرز گاوسر به فریدون نسبت داده شده و او اولین کسی است که از این سلاح استفاده می‌کند. علاوه بر این قسمت از شاهنامه، در داستان تخت طاقدیس (همان، ج ۸: ۲۷۴)؛ آنجا که می‌گوید سه چیز از فریدون به یادگار مانده، به گرز گاوسر اشاره می‌کند:

یکی تخت و آن گرزه گاوسار که مانده است از او در جهان یادگار
 سه‌دیگر کجا هفت چشمه کمر همی خواندی نام او دادگر
 (همان: ۲۷۶)

نتیجه معقولی که از بسیاری مراجع باستانی و امروزی به‌دست‌آمده، حاکی از این است که گرز گاوسر، عملاً به کار برده می‌شده و در ایران باستان اهمیت ویژه‌ای داشته است. شگفت آن‌که برای اثبات وجود این رزم‌ابزار نمادین، شواهد اندکی وجود دارد. تعداد گرزهای گاو سر که تاریخ‌شان به دوران ورود ایرانیان به خاور نزدیک می‌رسد، بسیار معدود است. نمونه‌هایی که در اینجا به پیروی از پژوهش‌های مری‌بویس عرضه می‌شود، فقط آن‌هایی هستند که نگارنده آنان را متعلق به ایران پیش از اسلام می‌داند (همان: ۳۸۲).

می‌دانیم در جوامع توتمیسم، افراد نقش توتم را بر ابزارآلات جنگی خود می‌نگاشته‌اند تا خاصیت جادویی آن‌ها افزایش یافته و توتم در جنگ به یاریشان بشتابد. در اساطیر ایران نیز، گرز گاوسر نمونه‌ای از این سلاح‌ها است. این گرز که گرز فریدون یا گرز مهر نیز خوانده می‌شود، سلاحی قابل ستایش است؛ سلاحی است که می‌توان دیوان را به‌وسیله آن شکست دهند. این سلاح از فلز ساخته شده است و به استناد اوستا، گزی است فلزی و از زر ساخته‌شده که استوارترین و پیروزی‌بخش‌ترین رزم‌افزارهاست (توسل‌پناهی، ۱۳۹۱: ۴۴۲).

طبق اعتقاد انسان اولیه به افسون و جادو، رزم‌افزار پهلوان در نبردهایش، به‌خصوص نبردهای سرنوشت‌ساز که گاهی کشتن اژدها ست، نه‌تنها باید از روی طرح ویژه‌ای ساخته شود؛ بلکه باید افسون و جادو نیز به آن دمیده شود. در این صورت، سلاح از نیروی مرگبار و خارق‌العاده برخوردار خواهد شد و بر موجودات خارق‌العاده‌ای؛ چون اژدها یا افراد رویین‌تن، کارگر خواهد افتاد. این سلاح‌ها که اغلب مو سوم به نام خدایانند، نیایش می‌شوند؛ تا جایی که به اشیای مقدس و بت‌واره تبدیل می‌شوند و فدیة و قربانی نیز تقدیم‌شان می‌شود.

علاوه بر گرز گاو سر که در اساطیر هند و ایرانی سلاح ویژه ایزدان اژدهاکش و نماد آیینی تندر و آذرخش است، تیر آرش شیواتر و ابزارهای جم در اوستا را نیز می‌توان در شمار این سلاح‌های سحرآمیز به شمار آورد. تیر گز رستم، تیری که به آتش راست شده و در آب رز پرورده شده است نیز نمونه‌ای از این رزم‌افزارهای جادویی است (همان ۳۴۳).

وارث گرز ایزدی ایندره و سازنده گرز معروف گاوسر، فریدون فرّخ است که با آن به نبرد دهاک می‌رود. درباره اینکه چرا گرز ویژه فریدون، به دستور او، به شکل سر گاو ساخته می‌شود، قدیمی‌ترین پاسخ در حدود بر سی‌های نگارنده، از این‌بلخی است. به نظر او، چون نیاکان فریدون شبان بودند، سلاح او نیز گرز یا همان ابزار چوپانان است و چون در نام پدران او لقب/ صفت گاو وجود داشته، آن گرز به‌صورت سر گاو ساخته می‌شود (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۷۰۶).

کریستن‌سن گاوپیکری گرز را، بر پایه یک باور جادویی و بدوی می‌داند که طبق آن، با دادن نقش سر گاو به گرز، قدرت گاو که در سر و شاخ‌های آن متمرکز است، به رزم‌افزار داده می‌شود. به اعتقاد عده‌ای از محققان،

انتخاب شکل گاو برای گرز از جانب فریدون، به یادگار دایه او برمایه بوده و با جنبه توتیمیک گاو در خاندان او ارتباط داشته است.

مطابق یکی از روایات شفاهی - مردمی، گرز گاو سر از فریدون به گر شاسپ می رسد و از آن پس در میان پهلوانان سیستان، نسل به نسل منتقل می شود؛ اما بعد از شکست شاه بهمن به دست آذر برزین، معلوم نشد این اسلحه به دست چه کسی افتاد و چه شد. گرز گاوسر، بیرون از حوزه داستان‌های حماسی - اساطیری نیز معروف و رایج بوده و احتمالاً، باستانی‌ترین سند مربوط به آن متعلق به ۲۴ تا ۲۲ قرن پیش از میلاد است که نقش این نوع گرز دیده می شود. در سنگ‌نگاره‌ها و نقاشی‌های قدیم و مستأخر ایرانی نیز تصویر گرز گاو سر به کرات آمده است و نمونه‌هایی از این گرزها در موزه‌ها نگهداری می شود (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۷۰۸). زیرک موبد در تعبیر خواب ضحاک درباره فریدون و گرز او می گوید:

کجا نام او آفریدون بـ	-----ود	زمین را سپه	----ری همایون بود
چـ	و او زاید از مادر پرهـ	ر	-----ود بارور
به مردی رده برکشـ	-----د	به ماه	کمر جـ
به بالا بود چـ	ون یکی سرو برز	به گردن بـ	-----ر آرد ز پولاد گرز
زنـ	د بر سرت گـ	-----رزه گاوسار	بگیردت زار و ببنـ
			دت خوار

(فردوسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۰)

«گرزه فریدون به ریخت سر گاو ساخته شده بوده است. او، با همین گرز شگرف و ایزدی است که دهاک را به فرمان درمی آورد و در بند می افکند. گاوساری گرز، نشانی از ارج و ارزش بسیار گاو، چونان نخستین آفریده اورمزد و نماد گیتی و آفرینش آبی و خاکی است» (کزازی: ۱۳۷۹/ ج ۱، صص ۲۹۱ - ۲۹۰).
در داستان فریدون، گرز گاو سر می تواند باز نمودی از هلال یا شاخ گاو باشد که در تصویرگری‌های اقوام هند و اروپایی دیده می شود و همین نقش شاخ، خود نماد ماه است (مختاریان، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

۲-۵. ارتباط گرز و اژدها

نبرد پهلوانان با اژدها، جزئی از پیکار با بدی و شر است؛ بنابراین راویان داستان‌های اساطیری، به نبرد پهلوانان با اژدهایان اهمیتی بسزا داده‌اند و شرح این نبردها را با آب و تاب فراوان ذکر کرده‌اند. در این داستان‌ها، اژدهایان همیشه کوه‌پیکر و آتش‌دم و زهرآگین هستند و پهلوانان برای نبرد با آنان از سلاح‌های گوناگون و شیوه‌های خاص سود می جویند.

یکی از رایج‌ترین این سلاح‌ها گرز است. از آنجا که اژدها از آتش و سروصدا می ترسد، پهلوانان اژدهاکش از این عوامل، به‌عنوان وسیله‌ای برای دور ساختن و نابودی آن‌ها استفاده کرده‌اند. و معمولاً، پهلوانان، پیاده به نبرد اژدها می روند؛ زیرا اسب آن‌ها از اژدها می ترسد و می گریزد (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۱۶۹).

دکتر بهمن سرکاراتی، دربارهٔ سلاح نبرد سام با اژدها، در مقاله‌ای با عنوان «گرز نیای رستم» می‌نویسد: در اساطیر هند و ایرانی، گرز به‌عنوان زین‌افزار ویژهٔ ایزدان اژدهاکش، نماد آیینی و تندرو آذرخش است که به‌وسیلهٔ آن، اژدهای کیهانی اوژنیده می‌شود؛ چنان‌که در وداه، سلاح مخصوص ایندرا، vajra گرز است (گرز ایندرا آذرخش است، اسطورهٔ بازگشت جاودانی ص ۳۶) چنان‌می‌نماید که در ایران باستان این خصوصیت ایندرا به‌جای ایزد بهرام که همان ایرانی بغ هندی است به مهر ایزد منتقل می‌شود. (سرکاراتی، ۱۳۵۴: ۳۲۳). از گرز مهر که صدگره و صدتیغه و نیک‌آخته و مردافکن و پیروزمندترین زین‌هاست و و صف دقیق آن در بندهای ۹۶ و ۱۳۲ مهریشت آمده، چندین بار در اوستا یاد شده است و نشانه‌هایی از اژدهاکشی مهر با گرز، در آیین مهرپرستی غربی به‌جای مانده است. از پهلوانان اژدهاوژن در ایران، فریدون و گرشاسب دارندهٔ گرزند. لقب گرشاسب در اوستا، گرزور است و در ادبیات پهلوی، مکرر از گرز گرشاسب که با آن در آغاز اژدهای شاخ‌دار را کشته و در پایان جهان اژدهاک را خواهد کشت، سخن به میان آمده است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

۲-۶. شاهان و روحانیون و گرز

گرز گاوسر از رزم‌ابزارهای معدودی است که جایگاه مهمی در ادبیات و سنن مذهبی ایران دارد. به گزارش فردوسی در شاهنامه، حماسهٔ بزرگ ایران، این جنگ‌افزار در داستان‌هایی آمده است که در برگیرندهٔ لحظات سرنوشت‌ساز زندگی شاهان و قهرمانان بوده است.

گرز علاوه بر اینکه سلاح رستم و گیو و اسفندیار و گشتاسپ... است، شاهان نیز از آن استفاده می‌کنند. در دورهٔ ساسانی، بهرام پنجم به هنگام برداشتن تاج شاهی خود از میان شیرهای غران، این گرز را در دست دارد. در ادوار اخیر، گرز گاو سر، به صورت جنگ‌افزاری تشریفاتی و نمادین، نشانی برای پادشاهان ایران و موبدان کیش زردشتی باقی مانده است. این‌گونه رزم‌ابزارها و عصاهای سلطنتی که به شیوه‌ای استادانه تزیین شده‌اند، در دوران قاجار متداول بوده است. نیز یکی دو گرز گاوسر در میان ابزارهای مقدسی که در آتشکده‌های زردشتی به کار برده می‌شود، وجود دارد. (فائمی، ۱۳۹۱: ۹۵). مطابق روایات کهن ایرانی در اوستا، گرز گاوسر فریدون، پس از او به شهریارانی دیگر چون کیخسرو و گشتاسب رسیده است و در آینده نیز به دست سوشیانت خواهد رسید. (همان: ۹۸).

موبد زردشتی، به هنگام تشریف به مقام موبدی و یا برگزاری آیین‌های گوناگون مربوط به آتش، این گرز را حمل می‌کند. این گرز در جامعهٔ زردشتی، گرز فریدون و یا گرز مهر خوانده می‌شود. عنوان اخیر، احتمالاً به نقش «مهر و در مقام مدافع عدالت، یعنی ایزدی که جنگ‌افزارش گرز است، اشاره دارد؛ گرز که بنا به توصیف اوستا، صدگره و صد تیغه دارد و چون به چرخش درآید، فروافکنندهٔ مردان است. این گرز از قوی‌ترین و ارزشمندترین رزم‌ابزارها است و از آهن زرد آبدیده ساخته شده است.

کاربرد دیگر این سلاح را در نبرد مهر با گاو نخستین مشاهده می‌کنیم. «این همان گریزی است که در نگاره‌های میتراپی، مهر در کشتن گاو نخستین از آن استفاده کرده است. «تا به امروز، موبدان زردشتی جدید، این گرز را دریافت می‌کنند تا در مبارزه با شر یار آن‌ها باشد» (کریستین‌سن، ۱۳۹۰: ۱۳).

استفاده از گرز به‌عنوان رزم‌افزاری مقدس و آیینی که نشانه پیروزی خیر بر شر را با خود به همراه داشته، در بین پادشاهان ایران باستان و همچنین موبدان دین زرتشتی رواج داشته است. موبدان زرتشتی، گرز گاوسر مهر را به عنوان نمادی از جنگی که باید با نیروهای شر داشته باشند، با خود حمل می‌کنند. نوع رفتار آیینی آن‌ها با گرز نیز، بی‌شبهت با رفتار مهر نبود: مهر، گرز خویش را سه بار در روز، در بالای دوزخ می‌چرخاند تا نگذارد دیوان، به دوزخیان، عقوبتی بیش از آنچه سزاوار آن هستند، تحمیل کنند (هینلز، ۱۳۷۱: ۱۸۷).

تکرار این رفتار مهر، در عین استحاله خویش‌کاری و باژگونگی در سطح معنایی نماد، نوعی آیین در کیش زرتشتی است که تأثیرپذیری از آیین‌های مهری در آن قابل تأمل است. مشابهت این رفتار آیینی موبدان با گرز، در مقایسه با گرز صدگره منسوب به مهر شکست‌ناپذیر، این چیرگی و غلبه را به مبارز یا دینیار در اختیار دارنده آن نیز واگذار می‌کند. هم چهره‌های پی‌شازرتشتی؛ چون رستم و دیگر خاندانش و هم شخصیت‌های زرتشتی؛ مثل لهراسب، گشتاسب و بهرام، در امتداد همین سنت کهن اساطیری قابل تفسیر است.

۲-۷. گرز، ابزار شکنجه اهریمنان

در ایران باستان، از گرز در بعضی از شکنجه‌ها استفاده می‌کردند تا زندانی یا رقیب زودتر اعتراف کند یا زودتر از پا درآید. نمونه‌ای از این مورد را می‌توان در کتاب ارداویرافنامه ذکر کرد؛ بدین شرح:

روان مردی را دیدم که بر سر تا پای او آلت شکنجه برنهاده شده بود و یک هزار دیو از بالا فراز می‌کوفتند و به زخم گران (عمود، گرز، گوپال) به‌سختی می‌زدند. پرسیدم که این تن چه گناه کرد؟ سروش پرهیزگار و ایزد آذر گویند که این روان آن مرد دروند است که به گیتی خواسته بسیار گرد کرد و خود نخورد و به نیکان نداد و بخشش نکرد و به انبار داشت (بهار، ۱۳۷۵: ۳۱۴).

۲-۸. گرز از بین برنده انگره مینو

از آنجایی که گرز رزم‌افزاری مقدس تلقی می‌گردید، در از بین بردن اهریمنان و بدکیشان و نمادهای شرّ، نقش اساسی ایفا می‌کرد. دکتر سرکاراتی هم بر این عقیده است که چون در گزارش‌های اساطیری و حماسی، اژدها یا مظاهر او نابودکننده مرد و چهارپا (گاو) است، در کشتن او نیز انسان و گاو، به‌صورت توأمان، نقش دارند. شهریار با پهلوان اژدهاکش، همان مرد است و گرز گاوسر «نماد و نماینده گاو، تنها هنگامی که مرد و گاو دوباره یکی می‌شوند، یعنی پهلوان اژدهاکش به گرز گاوسر تنومند می‌شود، می‌تواند اژدها را بزند» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۹۰). در هر حال، گرز گاوسر فریدون، نامدارترین رزم‌افزار روایات ایرانی است که یا خود آن به اشاره اوستا (پورداوود، ۱۳۹۴: ۳۵۰) با توجه به اینکه اژی‌دهاک اوستایی از تجلیات ابرهای سیاه طوفان‌زاست

(کارنوی، ۱۳۴۱: ۸۵) و گاو، نمادی از ابرهای زایای باران‌زا و پس از تطبیق شخصیت ضحاک شاهنامه با اژدهای ویشوروپه ودایی که توسط تریته (معادل فریدون در ریگ‌ودا) کشته‌شده، تریته اسبان و گاوهای بی‌شمار او را آزاد کرد. به احتمال بسیار، گاوهای ویشوروپه نیز معادل همان همسران ضحاک ماردوشند که به دست فریدون می‌افتند؛ زیرا در وداها، گاوهای شیرده و زنان، هردو، نماد ابرهای باران‌آورند. در واقع، فریدون ابرهای باران‌آوری را که ضحاک زندانی کرده بود، آزاد کرد (بهار، ۱۳۷۵: ۸۱)؛ به همین دلیل، برای کسب این پیروزی بزرگ، فریدون فرمان ساختن گرز گاوسر را می‌دهد؛ گرزگی که فردوسی قامت آن را به فروزندی خورشید تشبیه می‌کند:

بیاریسد داننده آهنگران	یکی گرز فرمود باید گـ
جهان جوی پرگار بگرفت زود	وزان گـرز پیکـر بدیشـان نمـود
نگاری نگارید بر خاک پیش	همی عدون بسان سر گامیـشـ...
به پیش جهان جوی بردند گـرز	فـروزان به کردار خورشید برز

(فردوسی، ۱۳۸۶/ج ۹/۲۷۵-۲۶۵)

گاوسر بودن گرز، خود نشان از قداست و فره‌مند بودن آن است. این سلاح مقدس، ابزار دفاع از زایایی و برکت بخشی آسمان، در برابر اژدهای سیاهی و خشکسالی (ضحاک) است و انتقام گاو مقدس، از انگیزه‌های دادخواهی فریدون بر ضحاک:

مـنم پـور آن نیـکبخت آبتـین	که بگرفت ضحاک ز ایران زمین...
همان گاو برمایه کیم دایه بـود	ز پیکر تنش همچو پیرایه بود
ز خون چنان بی‌زبان چـارپای	چه آمد بر آن مرد ناپاک‌زای...
سـرش را بـدین گـرز گـاوچهر	بکوبم نه بخشایش آرم نه مهر

(همان: ج ۱ / ۷۰-۶۹ / ۲۲۷-۲۲۳)

این خویش‌کاری گرز گاوسر و پیشینه اساطیری آن در نابودی شرّ، آن را تبدیل به یکی از نمادینه‌ترین ابزارهای نبرد با دشمنان اهریمنی کرده است. این ابزار، به‌عنوان یک سلاح مقدس، میراث فره‌مندان‌ای است که از فریدون به دیگر شاهان و پهلوانان شاهنامه نیز می‌رسد و آن‌ها در نبرد پایان‌ناپذیر خود با شرّ، از آن یاری می‌جویند. این گرز، سلاح گرشاسپ و سام نریمان بوده، گرشاسپ در نبرد با اژدها و رستم نیز در کشتن پیل سپید، از آن استفاده کرده بودند:

دوان رفت و گرز نیا برگرفت	برون آمدن را ره اندر گرفت...
برون آمد از در به کردار باد	به دست اندرش گرز و سر پر ز باد...
تهمتن یکی گرز زد بر سرش	که خم گشت بالای گـه پیکرش

(همان: ج ۱ / ۲۶۵ / ۲۸، ۲۱، ۱۳)

از بیم همین گرز گران‌زخم است که از قدرت اهریمنی، در شکنجه روان دروندان و گناهکاران در دوزخ کاسته می‌شود. «پس این نیز پیدا [است] که هم مهر ایزد، به هر روزی، سه بار گرز گران‌زخم (= نیک نواخته‌شده) را بر سر [دیوان] بر سر دوزخ گیرد که از بیم آن گرز مهر، پادافراه به روان‌های [مردم] مهتر و کهتر نتواند بود (= نشود)؛ که پس [در] آن زمان، [روان] آسوده‌تر بر ماند [و باشد]» (مزداپور، ۱۳۷۸: ۲۶۴-۲۶۳).

گرز، در اساطیر هند و ایرانی، زین‌افزار ویژه ایزدان اژدهاکش است که به وسیله آن اژدهای کیهانی کشته می‌شود. در اساطیر هند، ایزد ایندرا، گرز را دارد که صاعقه در آن جای دارد و با آن دیو خشکسالی و تاریکی «ورتره = vritra» را مغلوب می‌کند. این سلاح و جرا نام دارد.

«گرز در پهلوی ورز یا وزر بوده است. پنداشته شده است که این واژه از وِجرا در هندی باستان برآمده است. وِجرا نام گرز پرآوازه بوده است که ایندرا، خدای جنگاور هندو، در نبرد با دیوان از آن بهره می‌جسته است» (کزازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ۲۵۷).

۳. گرز در شاهنامه

گرز از کهن‌ترین ابزارهای جنگی جهان است که حتی خدایان کشورهای باستانی؛ مثل ایندرا، خدای خدایان هندوان، آن را به دست می‌گرفتند؛ در اوستا نیز گروهی از خدایان گرز داشتند. گرزها ابتدا یک پاره‌چوب بودند و بعد جنسی از آهن و پولاد پیدا کردند و تیغه‌ها و میخ‌هایی در آنها به کار رفت (پوردادود، ۱۳۸۲: ۸۲). پهلوانان ایرانی به گرزهایشان پرآوازه بودند؛ هرچه گرزها سنگین‌تر بود، پهلوان صاحب آن نیز پرزورتر می‌نمود؛ مثلاً سام گرز داشت که به نام «گرز یک‌زخم» شهرت داشت:

همین گرز یک‌زخم برداشتم سپه را همان‌جا بگذاشتم

(فردوسی: ۱۳۸۶: ج ۲/۲۸۴)

گرز یک‌زخم، دسته کوتاهی داشته و معمولاً عرب‌های بدوی آن را به همراه داشته‌اند که سرش را قیراندود می‌کردند و اگر بر کسی می‌زدند، با همان ضربه اول او را از پا درمی‌آوردند و به همین دلیل، نیازی به ضربه دوم نبود. آن‌ها نام «واحد یموت» بر آن گذاشته بودند و گرز یک‌زخم با کارکرد این زین‌ابزار هماهنگی کامل دارد. گرز را می‌توان هم‌معنای «گوپال» و «دبوس» و... گرفت.

در جوامعی توتمی، سلاح مخصوص، پس از مراسم آیینی به نام مراسم پاگشایی، از طرف رئیس قبیله به فرد اهدا می‌شود. فرد، پس از عبور از آزمایش‌های سخت و طاقت‌فرسا، وارد جرگه مردان می‌شود و لایق داشتن سلاح. (توسل‌پناهی، ۱۳۹۱: ۲۵۰).

در شاهنامه، هنگامی که رستم برای اولین بار به جنگ افراسیاب می‌رود، زال فرمان می‌دهد که گرز سام را که یادگار گرشاسب نریمان است، برایش بیاورند. همچنین، از میان پهلوانان اژدهاکش در ایران، فریدون و گرشاسب، دارنده گرزند و لقب گرشاسب در او ستا گرزور است و در آخر زمان نیز، در نبرد با ضحاک، از آن

استفاده خواهد کرد در مواردی این سلاح، هدیه‌ای از سوی خدایان است؛ مانند تیر معروف آرش شیواتیر و ببربیان رستم نیز طبق روایات عامیانه، هدیه‌ای ایزدی است که فرشته‌ای از بهشت برای تهمتن آورده است (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۷۰۵).

در شاهنامه، پهلوانانی چون: سام (فردوسی، ج ۱: ۳۳۳-۳۳۲)، قارن (همان، ۲۹۹)، زال (همان: ۳۱۲)، رستم (همان: ۳۳۴) و سهراب (همان: ج ۲: ۱۸۰) دارای گرز هستند. در نبرد دوازده رخ (همان: ج ۴: ۵۹)، تمام پهلوانان ایران به این سلاح مسلح هستند. سلاح بهرام چوبین (همان: ج ۷: ۵۳۴) یک بار گرز گاوسر نامیده شده. گذشته از پهلوانان، شاهان نیز هنگام نشستن بر تخت، گرز گاو سر دارند. سرکاراتی می‌گوید (۱۳۸۵: ۳۸۰): گرز فریدون به شه‌ریارانی چون کیخسرو و گشتاسب رسیده است و در آینده به دست سوشیانت موعود زرتشتی خواهد رسید تا با آن دروغ و بدی را از جهان برفکنند. شخصیت‌های اسطوره‌ای- حماسی شاهنامه، چند تن از شخصیت‌هایی که در دوره‌های تاریخی شاهنامه از آن‌ها ذکری شده، دارای گرزند؛ از جمله: بهرام گور (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۱۱-۴۱۰) که در مقابل شیرهایی که مانع رسیدن او به تاج می‌شوند، از این گرز استفاده می‌کند.

سرکاراتی معتقد است: این امر ناشی از ارتباط دیرین افسانه‌ی اژدهاکشی و اسطوره‌ی آفرینش است. داستان کشته‌شدن کیومرث، مرد نخستین و گاو یکتاآفرید، نخستین گاو در آغاز آفرینش، به دست اهریمن - که خود به‌صورت مار بر زمین وارد می‌شود- در افسانه‌های اژدهاکشی بعدی تکرار شده است؛ از جمله: داستان گرشاسب و اژی سروور (اژدهای شاخ‌دار زهرآگین زردفام) (ر. ک، رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۲۰۶)، فریدون و ضحاک، کیخسرو و افراسیاب.

در این سه داستان، از یک طرف با اژدهایی روبرو هستیم که همچون اهریمن ماریکراست و مردکش و گاوکش است؛ از طرف دیگر، در افسانه‌های حماسی، پهلوانان اژدهاکش؛ همچون گرشاسب، فریدون و کیخسرو، همه از تخمه و نژاد مرد نخستین‌اند که به دست اژدها کشته شده است. سرکاراتی می‌گوید: گرز گاو سار در داستان اژدهاکشی، نماینده‌ی گاو است و در ست‌زمانی که مرد و گاو دوباره یکی می‌شوند؛ یعنی پهلوان اژدهاکش که به گرز گاوسر مجهز می‌شود، می‌تواند اژدها را بکشد (قائمی، ۱۳۹۱: ۹۸).

گرامی، فرزند جاماسب، در میانه‌ی کارزار سپاه گشتاسب و ارجاسب، چون درفش کاویانی را افتاده می‌بیند، آن را برداشته و گرد و خاک از آن می‌زداید و برمی‌فرازد. سپاهیان ارجاسب وی را دوره کرده و اسب او را به شمشیر می‌اندازند، پس گرامی، درفش را به دندان می‌گیرد و با یک دست گرز می‌زند (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). گیو در داستان فرود، در شبیخون پیران و پسه و سپاه توران بر ایرانیان، وقتی به‌عنوان نگاهدار و نگهبان سپاه ایران به مقابله می‌خیزد، همین گرز نمادین را در دست دارد. لهراسپ پیر نیز در برابر ترک‌تازی مهاجمان تورانی، این گرز را به دست می‌گیرد تا از زرتشت و آتشکده‌ی سپندش پاسداری کند:

به پیری بگریزید چون پیل مست یکی گرز را بگریزید گاو پیوسته
به همله‌ی جادوی زان سران سپردی زمین را به گرز گران

همی گفت هـــــر کس که این نامـــــدار نباشد جـــــز از گـــــرز اســـــفندیار

(فردوسی: ۱۳۸۶/ج ۶/۱۳۹-۶۳-۶۱)

حتی در دوره ساسانی نیز، شاهی چون بهرام گور، برای دست یافتن به تاج پدر خود از میان شیرهای غران، همین سلاح نمادین را در دست دارد:

یکی گرزۀ گاوسر برگرفت جهانی بدو مانده اندر شگفت

(همان: ۶۶۷/۳۰۱/۹)

کارآیی گرز گاوسر و پیشینه اساطیری آن در نابودی شر، آن را تبدیل به یکی از نمادیتنه ترین ابزارهای نبرد با دشمنان اهریمنی کرده است (قائمی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

از جمله گرزهای معروف شاهنامه، گرز خاندان زال است که دست به دست، از پدر به پسر ارث می رسد. در جدول زیر مهم ترین پهلوانانی که در اساطیر هند و اروپایی و یونان و روم و ایران دارای گرز می باشند، آورده شده است. ستون نخست؛ نام کتاب، ستون دوم؛ نشانگر نبرد پهلوانان با اژدها، ستون سوم؛ کارکرد اژدها و در ستون چهارم؛ صفت مشترک پهلوانان آمده است:

الف. ایندیره کشنده ورتره	ورتره بازدارنده باران	ایندیره دارنده گرز	ودا
ب. تربته کشنده ورتره	ورتره بازدارنده باران	تربته دارنده گرز	
پ. تربته کشنده ویشورویه	ویشورویه رباینده گاوها	تربته دارنده گرز	
ت. تربته کشنده وله	وله رباینده گاوها	تربته دارنده گرز	
ث. ایندیره کشنده وله	وله رباینده گاوها	ایندیره دارنده گرز	
ج. سومه دربندکننده ورتره	ورتره بازدارنده باران	سومه دارنده گرز	
چ. ثرتئونه کشنده اژی دهاک	اژی دهاک دربندکننده دوززن	ثرتئونه دارنده گرز	اوستا
ح. کرساسپه کشنده اژی شاخ دار و گندرو	گندرو در آب جای دارد	کرساسپه دارنده گرز	
خ. هئومه در بند کننده افراسیاب درون زمین	-	-	
د. فریدون در بند کننده اژی دهاک در دماوند	اژی دهاک در بند کننده دختران جمشید	فریدون دارنده گرز	
ذ. کرساسب کشنده اژی دهاک در روز واپسین	-	کرساسب دارنده گرز	پهلوی
ر. کرساسب کشنده گندرو و مرغ کمک	با کشتن مرغ مینا رهاکننده باران	-	
ز. کیخسرو کشنده افراسیاب	افراسیاب بازدارنده باران	-	

متون دوران اسلامی	ژ. فریدون کشنده ضحاک	ضحاک کشنده گاو برمایون و در بند کننده دختران جمشید	فریدون دارنده گرز گاوسر
شاهنامه	س. فریدون در بند کننده ضحاک در دماوند	-	-
	ش. هوم در بند کننده افراسیاب	ضحاک در بند کننده دختران جمشید	فریدون دارنده گرز گاوسر
	ص. کیخسرو کشنده افراسیاب	-	-
یونان و روم	ض. زئوس در بند کننده تیفون در کوه آتنا	-	زئوس دارنده گرز
	ط. هراکلس کشنده کاکس	کاکس در بند کننده گاوها	هراکلس دارنده گرز
	ظ. هرکول کشنده گریون	گریون در بند کننده گاوها	هرکول دارنده گرز

۴. نتیجه گیری

گرز از جنگ افزارهایی است که هم در اساطیر بارها به آن اشاره شده و هم در آثار حماسی، به کرات، از آن نام برده شده است. با غور در این آثار، متوجه می شویم که اولاً؛ دارنده گرز، هر کسی نمی تواند باشد. باید شخصی پاک نهاد باشد که به ویژگی های پسندیده آراسته است؛ چرا که گرز با قدرت و توانمند هم ریشه است و قدرت باید در دست نیکوکاران باشد. ثانیاً؛ اینکه گرز از بین برنده اهریمنان و اشرار است؛ لذا گرز از قداست و فری برخوردار است که آن را باید هدیه الهی به مهرورزان دانست. اصولاً گرز هدیه خدایان است؛ چرا که فلز ارمان و تحفه شهریور است و خدایانی چون مهر و سروش گرز دارند و این خصوصیت را در بین خدایان سایر ممالک نیز می توان دید. شاهان و روحانیون و پهلوانان نیز به زیور گرز آراسته می شدند تا از بلاها به دور باشند و بر دشمنان پیروز. از سوی دیگر، گرز بر طرف کننده پتیاره و بلا یاست. گرز نماد آذرخش که نیروی خیر است و نابود کننده اژدها که نماد گجست است، می باشد. چنان که فریدون برای نابودی ضحاک از گرز کمک می گیرد و در آخر الزمان، گرشا سب برای از بین بردن ناپاکی، به گرز متوسل می شود. از این رو، گرز به ابزار اژدهاکش معروف می شود؛ زیرا اژدها خود نماد شرّ و مار و اهریمن است.

منابع

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۰)، دفتر خسروان، برگزیده شاهنامه فردوسی، تهران: سخن.
- ابن بلخی، محمد. (۱۳۸۵)، فار سنمه، سعی و اهتمام و تصحیح: گای لیسترانج، رینولد ال نیکلا سون: لندن: چاپخانه دارالفنون کمبریج.

- ۱- سفندیار کاتب، محمدبن حسن. (۱۳۲۰)، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، به اهتمام محمد رمضانی، تهران: اساطیر.
- باقری، مهری. (۱۳۷۶)، تحول چندگانه یک واژه در زبان فارسی، مجله زبان و ادب دانشکده ادبیات تبریز، دوره ۴، شماره ۱۶۳، صص ۴۶-۲۳.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۸۲)، زین‌ابزار، جنگ‌ابزارهای باستانی ایران، به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار، تهران: اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۹۴)، اوستا، چاپ نوزدهم، تهران: نگاه.
- توسل‌پناهی، فاطمه. (۱۳۹۱)، توت‌م و تابو در شاهنامه، تهران: ثالث.
- ثعالی‌نیشابوری، محمدبن اسماعیل. (۱۳۸۴)، تاریخ ثعالی، مترجم محمد فضائلی، مقدمه مجتبی مینوی، تهران: نقره.
- دینوری، ابوحنیفه احمد. (۱۳۸۳)، اخبار الطوال، مترجم محمود مهدوی‌دامغانی، چاپ هشتم، تهران: نی.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹)، ازدها در اساطیر ایران، چاپ دهم، تهران: توس.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۵۴)، گرز نیای رستم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، پاییز، صص ۳۳۸-۳۲۳.
- _____ (۱۳۸۵)، سایه‌های شکار شده، چاپ سوم، تهران: طهوری.
- طبری، محمد. (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی‌مطلق، دفتر یکم تا هشتم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- فرنبغ‌دادگی. (۱۳۹۰)، بندهشن، گزارنده: مهرداد بهار، تهران: توس.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۱)، اسطوره نبرد مهر و گاو نخستین، مجله ادب پژوهی، پاییز ۹۱، صص ۸۹-۱۱۰.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۹)، نامه باستان، جلد اول، تهران: سمت.
- کویاجی، جهانگیر کوروجی. (۱۳۸۰)، بنیادهای اسطوره و حماسه ایران، ترجمه جلیل دوستخواه، ویراست دوم، تهران: آگه.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک. (۱۳۶۳)، تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- مختاریان، بهار. (۱۳۹۲)، درآمدی بر ساختار اسطوره‌ای شاهنامه، چاپ دوم، تهران: آگه.
- هارپر، پرودانس او. (۱۳۶۹)، گرز گاوسر در پیش از اسلام، ترجمه امید ملاک بهبهانی، فرهنگ، کتاب هفتم، پاییز ۱۳۶۹، صص ۴۰۲-۳۸۱.
- هینلز، جان. (۱۳۷۳)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد توسلی، بابل: چشمه و آویشن.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- West, M.L. (2007), *Indo-European poetry and myth*, Oxford.